بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

 **در وظائف تربيتي خانواده و پدر و مادر همان‌طور كه ملاحظه كرديد محورهايي پشت سر هم بحث شد. تمهيدات تربيتي تعليم، تربيت جسماني، اعتقادي، عبادي، فقهي و حكمي در غير عبادات و تربيت عاطفي و روحي و... موردبحث واقع شد.**

# تربيت اخلاقي

 **تربيت اخلاقي يك عنواني است كه مكرر در دستورات و توصيه‌ها كه از قرآن و روايات و ائمه علیهم‌السلام نسبت به فرزندانشان نقل می‌شود يك بخش بزرگي توصيه‌هاي اخلاقي است. توصيه‌هايي كه حضرت لقمان و ائمه و پيامبران ديگر داشتند بخش موسّعي در حوزه تربيت اخلاقي است، آن‌هم كم نيست؛ منتهي چون در مناسبت‌هاي مختلف اين ادله و آيات و رواياتش بررسي شد، اگر بخواهيم وارد بشويم موجب تكرار و ممل است، ازآن‌جهت است كه آن موردبحث قرار نمی‌گیرد. امكان دارد مجموعه ادله‌اي كه در ترغيب‌ها و توصيه‌ها بوده (چه ادله عام و چه ادله خاص) ذكر بشود.**

# تربيت جنسي

 **يك بخش هم در تربيت جنسي هست، مواظبت‌ها و مراقبت‌هاي جنسي كه اين هم بعدها موردبحث واقع مي‌شود**

# تربيت اقتصادي، اجتماعي و سياسي

 **در تربيت اقتصادي، شغلي و اجتماعي و سياسي يك ساحت‌هاي متعدد از تربيت متصور است كه آنجاها دليل خاص به آن شكل نيست. در آن حوزه‌هايي كه نام برده شد علاوه بر ادله عامه، ادله خاصه‌اي داشت. در تمهيدات تربيتي، تعليم، تربيت جسماني، اعتقادي، عبادي، احكام معاملي، عاطفي و تربيت اخلاقي و يك مقدار هم بحث جنسي كه بعدها موردبحث واقع مي‌شود، در اين نه محور، بحث بود. روايات داشت، بحث‌هاي مهمي داشت و ادله خاصه وجود داشت؛ اما علاوه بر ادله و قواعد عامه كه حدود نه يا ده محور مي‌شود كه يكي دو تا موردبحث واقع نشد كه به ادله سابق احاله داده مي‌شود؛ ولي در مقام نوشتن دوستان بايد رويش كار بكنند؛ اما در حوزه‌هايي مثل تربيت اقتصادي و شغلي و امثال اين چيز خاصي به آن شكل وجود ندارد؛ ولي عناوين و قواعد عامه وجود دارد كه آن‌ها در مقام بحث بسيار مهم است و درواقع اصول اساسي است كه در گذر زمان و تغيير و تحولات، همه‌جا راهنماي تربيت و برنامه‌هاي تربيتي خانواده است اين عناوين عامه مكرر بحث شد الآن‌هم با توجه به مجموعه بحث‌هايي كه بود هم جمع‌بندی خواهد شد و نكاتي هم افزوده خواهد شد. پس بنابراين بحثي كه الآن آورده مي‌شود، به يك معنا جزء مقدمات بحث قرار داد. بنابراين اين عناوين و قواعد در تربيت خانواده است. بعضي كمي با ديگرآن‌هم مشاركت دارد ولي عمدتاً قواعد عامه در فضاي تربيت خانوادگي است. كه این‌ها راهنماهاي ما هستند براي اين‌كه از دل آن‌ها دستورالعمل درآورده شود، به‌تناسب زمان و اوضاع‌واحوال هر عصري ممكن است نتايج متفاوتي بدهد. پس تا اینجا يك جمع‌بندی وجود داشت. حدود نه يا ده ساحت تربيت در خانواده كه يكي باقي مانده و يكي هم به بحث‌هاي قبلي حواله داده شد و درواقع حدود نه يا ده تا ساحت تربيت خانوادگي است كه موردبحث واقع شد كه نياز به بحث خاص ندارد. البته يكي جدا بحث مي‌شود. اين يك بحث است كه بحث‌هاي محورهاي خاص و ساحت‌هاي خاص تربيت است كه با نگاه فقهي دليل خاص دارد و احكام اين مشخص شد اين‌كه الآن موردبحث واقع مي‌شود يك بحث كلي‌تر است كه مي‌تواند نسبت به ساحت‌هاي ديگري هم كه دليل خاص ندارد، تعيين تكليف بكند و هم نسبت به ساحت‌هايي كه بحث شد این‌ها شمول دارد وهم نسبت به ساحت‌هايي كه آورده نشد. اين عناوين فهرست‌وار آورده مي‌شود كه بعضي‌ها قبلاً بحث شد، ارجاع داده مي‌شود و بعضي‌ها هم موردبحث واقع مي‌شود.**

##  1) عنوان «وقاية عن النار»

 سه عنوان مهم در آيات شريفه هست. يكي عنوان وقاية عن النار بود اين يك وظيفه هست كه مي‌تواند در همه ساحت‌ها شمول داشته باشد. وقتي مي‌خواهد شغلش را هم تعيين بكند همان‌جا در تربيت شغلي هم بايد او را به سمت شغلي هدايت بكند كه از آتش و عذاب و گناه مصون بماند. در تربيت اجتماعي هم اين‌طور است. در تربيت سياسي هم اين‌طور است. بايد او را طوري تربيت بكند كه تولی به ولايت الهي داشته باشد كه در اين قسمت‌ها دليل خاص نيست. ولي اين آيه خيلي معنا دارد: **«**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَة»[[1]](#footnote-1) كه از مهم‌ترين قواعد تربيت خانوادگي است كه هم ساحت‌هايي را كه قبلاً بحث شد و ادله خاصه هم بود را مي‌گيرد و هم خيلي از قلمروها و ساحت‌هاي ديگري كه دليل خاص نبود. مثل تعيين شغل و حرفه و تربیت اجتماعي و سياسي در همه این‌ها هر چه كه بايد انجام بدهد كه او از گناه مصون بماند و به ورطه گناه و عصيان نيفتد اين اقدامات را بايد انجام بدهد. لازم نيست در تربيت شغلي يا جاي ديگر دليل خاص هم داشته باشد يا نداشته باشد بلكه همين آيه تعيين مي‌كند. آنجایی هم كه دليل خاص هست، موجب تأكد بود كه این‌ها قواعد و عناوين عامه هستند.

##  2) عنوان «تعامل به معروف»

 **دوم عنواني كه قرآني هم هست، همان عنوان تعامل به معروف است كه ائتمار به معروف مي‌گويند. اين هم يك بحث بود كه جزئياتش قبلاً موردبحث واقع شد كه وظيفه او نوعي تعامل به معروف است يعني اهتمام به رفتار خوب با او است.**

## 3) عنوان «عده الاضرار»

 **سوم عده الاضرار است «**لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ**»**[[2]](#footnote-2) **بود اين سه عنوان و قاعده كليدي است كه در قرآن است.**

 **از اين به بعد عناويني كه از روايات استفاده مي‌شود، آورده خواهد شد.**

## 4) عنوان «تأديب»

 **چهارم عنوان تأديب بود كه الي ماشاءالله روايات بود كه تعدادي معتبر بود و تعدادي مؤيّد بود كه در دو سال اخير دو سه بار اين روايات موردبحث واقع شد كه به‌عنوان وظيفه اساسي و عمومي اين هم شمول دارد مثل وقايه و ائتمار و عدم اضرار كه ساحت‌هاي مختلف تربيت را مي‌گرفت. تأديب هم ساحت‌هاي مختلف را مي‌گيرد كه مفهوم عرفي دارد كه آنچه به مؤدب بودن او برگردد كه يك مقدار اين ادب، هم ادب شرعي را مي‌گيرد و هم ادب عرفي را مي‌گيرد. ادب شرعي كه در حوزه تربيت اعتقادي و عبادي و... شمول دارد. ادب عرفي ساحت‌هاي زيادي را مي‌گيرد مانند ساحت‌هاي اجتماعي، اخلاقي، اقتصادي و سياسي و امثال این‌ها را شامل مي‌شود، باز هم شمول بالايي دارد اين هم عنوان چهارم است كه بيشتر روايي است.**

## 5)‌ عنوان «اعانه علي طاعة الله»

 **عنوان پنجم اعانه علي طاعة الله است كه در رساله حقوق بود «والمَعونَةِ عَلى طاعَته»**[[3]](#footnote-3) **اين‌كه كمكش بكند كه اطاعت خدا بكند اين هم يك دليل بود كه الزام هم در آن بود سند رساله حقوق با بياني كه داشت، معتبر است. اين يك كليد بزرگ و يك عنوان و قاعده عمومي است كه شمول دارد و چيز خاصي در يك حوزه نيست. علي طاعته در تربيت اعتقادي، اجتماعي، سياسي و شغلي است. هر چه كه ممهِّد براي اطاعت الله باشد اين هم عنوان پنجم است كه بيشتر عنوان روايي است.**

## 6) عنوان «برّ و احسان»

 **عنوان ششم عنوان برّ و احسان است كه در رواياتي اين امر وارد شده و باز اين عنوان بر يك عنوان، قاعده عامه است كه اختصاص به يك حوزه ويژه و قلمرو خاصي ندارد كه در اين زمينه هم قبلاً به مناسبتي رواياتش را ضمن بحث‌هاي قبلي بيان شد؛ و در باب هشتادوهشت، دو روايت در اين زمينه بود كه البته اين دو روايت باب هشتادوهشت ابواب احكام اولاد روايت دوم كه فرمود «برُّ ولدك» كه روايت مرفوعه بود و يكي هم روايت ششم بود كه مرسله جازمه مرحوم صدوق است كه «بر رجل بولده بر بوالده». كه اين عنوان روايات معتبر ندارد گر چه از جاهاي ديگر مي‌شود استفاده كرد الزام هم از آن نمي‌شود استفاده كرد اين هم عنوان ششم بود.**

## 7) عنوان «رحم و ترحم»

 **عنوان هفتمي كه بحث شد عنوان رحم و ترحم بود كه در باب هشتادوهشت و هشتادونه بود در باب هشتادوهشت روايت سوم بود كه قبلاً بيان شد. روايت چهارم هم بود كه عنوان رحم در آن بود. هر دو روايت ازنظر سند خالي از اشكال نبود و روايت چهارم باب هشتادونه كه آن‌هم سندش معتبر نبود؛ منتهي اين هم برّ و رحم است كه اين دو الزامي نيست. به‌خصوص اين دو عنوان‌ هم در حدّي كه در اين روايات فحص شد، سند معتبر نداشت ولي اگر مجموعه رواياتي كه در برّ و رحم بود جمع بشود، شش هفت‌تا روايت مي‌شود و چون مطابق قواعد است و حكم هم الزامي نيست به‌عنوان يك امر مي‌توان گفت هرگونه برّ و رحمي استحباب دارد، استحباب مؤكد هم دارد حتي اگر هيچ روايت ديگري هم نبود، كافي است. اين هم عنوان هفتم كه عنوان رحم بود.**

## 8) عنوان «الاعانه علي برّ والديه»

 **عنوان هشتم «الاعانه علي برّ والديه» هر چيزي كه به او كمك بكند كه او با پدر و مادر به‌خوبی رفتار بكند. اين عنوان ممكن است به آن عموم و شمول قبلي‌ها نباشد؛ اما درعین‌حال نسبتاً از عناوين عامه به حساب مي‌آيد. اين روايت در باب هشتادوشش، حديث چهار آمده است عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: رَحِمَ‏ اللَّهُ‏ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَا**»**[[4]](#footnote-4)**.

اين يك روايتي است كه سندش درست است بنا بر آنچه در باب نوفلي و سكوني گفته شد. درمجموع و درنهایت بعد از بحث‌هاي فراواني كه در باب نوفلي و سكوني بود گفته شد كه اين سند موردقبول ما است كه اين روايت چهارم است. روايت هشتم هم **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ رِبَاطٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ‏ أَعَانَ‏ وَلَدَهُ عَلى‏ بِرِّهِ».**

**منتهي اینجا يك ذيلي دارد كه سؤال مي‌كند كه** **قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلى‏ بِرِّهِ؟ چطور پدر مي‌تواند كمك بكند كه بچه به او خوبي بكند؟**

 قَالَ: «يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ، وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ، وَ لَا يُرْهِقُهُ‏، وَ لَا يَخْرَقُ بِهِ، فَلَيْسَ‏ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَصِيرفِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ الْكُفْرِ الا أَنْ يَدْخُلَ فِي عُقُوقٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ»**[[5]](#footnote-5)**.

 **حضرت مي‌فرمايد: راهش اين است كه با خوبي با او رفتار بكند و رفتارهاي خوب داشته باشد و خوب تربيت بكند او هم با او خوب رفتار مي‌كند. اين روايت هم كاملاً معتبره است. جالب اين است كه بحث «ولده علي برّه» در دو روايت آمده كه هر دو معتبر است. در بحارالانوار جلد صد و چهار، ابواب فضل اولاد هم آمده است كه آنجا هم رواياتي به اين مضمون نقل شده است. اين دو روايت در وسائل، باب هشتادوشش، كتاب نكاح، ابواب احكام اولاد هم آمده كه هر دو معتبر است. كه دو سه روايت آنجا نقل كرده است.**

از عدة الداعي هم همين جمله را نقل كرده كه **«**وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ وَ هُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ‏ سَيِّئَتِهِ‏ وَ يَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّه‏»[[6]](#footnote-6)

 **مي‌گويد چگونه مي‌تواند اين كار را بكند؟ مي‌فرمايد: «**أَنْ يَعْفُوَ عَنْ‏ سَيِّئَتِهِ‏ وَ يَدْعُوَ لَهُ**»**[[7]](#footnote-7) **راهش اين است كه او را ببخشد و دعا بكند. عامه هم اين را نقل كرده‌اند كه يك عنوان بسيار مهمي است كه معتبر است كه هم دو سه روايت معتبر دارد و هم تعدّد دارد. بيش از آن در روايات عامه و خاصه هست كه شايد شش هفت روايت بشود كه حضرت فرمود: «**رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ**»**[[8]](#footnote-8)**. اين هم يك مجموعه روايات است كه خودش عنوان هشتم مي‌شود. اين عنوان چون قبلاً نبوده كمي توضيح داده مي‌شود. اين روايات به لحاظ سند هم بينشان معتبر هست و هم متعدده و هم عامه و خاصه اين را نقل كرده‌اند اين عنوان هشتم است. در اين عنوان هشتم و قاعده كلي كه اینجا ارائه شده، چند نكته بيان مي‌شود:**

###  نكته اول: **استحباب مؤكد «**الاعانه علي برّ والديه**»**

 **يك نكته اين است كه حكم این‌ها «**الاعانه علي برّ والديه**» حكم الزامي نيست. ظاهرش استحباب مؤكد است مگر اين‌كه عناويني بيايد؛ ولي استحبابش، استحباب مؤكد است.**

### نكته دوم: **شمول حكم استحباب مؤكد نسبت به پدر و مادر**

 **نكته دوم شمول اين حكم نسبت به پدر و مادر است كه هر دو را مي‌گيرد. براي اين‌كه در بعضي از روايات معتبر دارد «رحم الله والديه» آن‌هم كه والدين ندارد، قابل الغاء خصوصيت و شمول است. ولي اینجا والدين آمده است كه پدر و مادر را مي‌گويد. طبعاً آن‌ها را هم با الغاء خصوصيت مي‌گيرد.**

### نكته سوم: **ولد شامل ولد مذكر و مؤنث** است.

 **نكته سوم هم اين‌كه اینجا ولد مي‌گويد، هم ولد مذكر و هم ولد مؤنث را مي‌گيرد و با واسطه هم وقتي او متكفل كارشان باشد، چون همان حقوق وجود دارد آن‌ها را هم مي‌گيرد.**

### نكته چهارم: اطلاق **«**الاعانه علي برّ والديه**»**

 نكته چهارم هم اين است كه این‌ها «الاعانه علي برّ والديه» مطلقي دارد كه در بعضي از روايات مصاديقي ذكر شده و الا اصل عنوان ‌همان «اعانه علي برّ» است. اعانه بر برّ يعني او به او كمك بكند كه او با او خوب رفتار بكند. عنوان کلی‌اش اعانه است و اين اعانه كه جزء عناوين عامه آورده شده است در ساحت‌هاي مختلف تربيتي مي‌آيد. به خاطر نكته چهارم است كه گفته مي‌شود عنوان اینجا اعانه است و اين عنوان شامل انواع تربيت‌ها و ساحت‌هاي مختلف تربيتي مي‌شود. يك راهش اين است كه عواطف خوب نسبت به او ابراز بكند و رابطه خوب با او برقرار كرده كه اين موجب م**ي‌شود كه او هم متقابلاً با او خوب رفتار بكند ولي هميشه به اين حوزه اخلاقي و عاطفي نيست؛ گاهي هم به اين است كه تربيت ديني او را تقويت بكند يعني همان احكام و شرایع دين را به او ياد بدهد. چون همين‌ها هم داخل آن قرار دارد. گاهي يك عنوان، رجحان مؤكد مي‌آورد استحباب كه با وجوب جمع بشود همان وجوب را بالاتر مي‌برد. استحباب مندك در وجوب مي‌شود و ثواب آن را تقويت مي‌كند يا تربيت اقتصادي او اين‌كه او را در شغل مناسبي قرار بدهد كه مورد رضايت او باشد و مناسب او باشد درحالي‌كه اگر او را ازنظر تربيت علمي مثلاً مدرسه نبرد از اول او عقده‌اي بار مي‌آيد كه مقابل پدر و مادر مي‌ايستد آنچه متعارف است اين است كه او را مدرسه ببرد تا او حرفه‌اي ياد بگيرد ازنظر اجتماعي خوب تربيت كند هر چيزي كه اگر او درست انجام ندهد در او نوعي عقده و بدبيني ايجاد مي‌شود و موجب مي‌شود او به سمت آب شدن برود و اين‌كه با پدر و مادر خوب رفتار نكند و لذا در نكته چهارم گفته مي‌شود كه «اعانه ولدهما علي برهما» يك مصداق واضحي دارد يعني خوب با او تعامل بكند و او هم خوب جواب بدهد ولي اين را نبايد فقط به اين ديد؛ ممكن است الآن تعامل فوري عاطفي نباشد ولي وقتي برنامه‌ريزي براي آموزش او و اخلاق او و آينده او ندارد و كمكش نمي‌كند اين موجب مي‌شود او جلوي پدر بايستد اين خيلي مصداق دارد بنابراين نكته چهارم اين است كه اعانه بچه به اين‌كه با او خوب رفتار بكند زمينه بسازد براي اين‌كه او هم با او خوب باشد بخشي از اين زمينه‌سازي عواطف روياروي و فوري و آني و امثال اين‌هاست يك بخشي هم توجه به حيطه‌هاي ديگر تربيت او است كه او عقده‌اي و سرخورده بار نيايد كه همين منشأ اين بشود كه بعدها با پدر و مادر مقابله بكند. پس نكته چهارم اين است كه اعانه دامنه وسيعي دارد اين‌طور نيست كه در يك حوزه خاصي از تربيت باشد بلكه از قواعد عامه تربيت خانوادگي است.**

### **نكته پنجم: وجود «اعانه علي البرّ» در قرآن كريم**

 **نكته پنجم اين است كه اين نكته هم طبق قواعد هست، اين‌كه اگر اين روايات نبود، اعانه علي البرّ در قرآن كريم هست كه سال قبل مفصل در مكاسب محرمه بحث شد كه از اين آيه شريفه دو قاعده استفاده مي‌شود: يكي حرمت اعانه بر اثم و عدوان آن‌طور كه موردپذیرش ما بود و دوم حرمت تعاون كه دو قاعده از آن استفاده مي‌شود و دو قاعده از جمله اول كه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى‏ وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوان»**[[9]](#footnote-9) **تعاون گفت يعني هم اعانه را مي‌گيرد و هم تعاون مشاركت را مي‌گيرد. يك مصداقش هم همين اعانه يعني دخالت در مقدمات برّ و كمك بر اين‌كه برّ و تقوي محقق بشود. دخالت در مقدمات اين‌كه خوبي به كسي برسد كسي كار خوبي انجام بدهد اینجا هم درواقع يك مصداقي از همين آيه هست؛ منتهي دليل خاصي كه اینجا آمده موجب تحقق اين استحباب شده است. پس اين هماهنگ با يك قاعده عامه‌اي است كه در همه بحث‌هاي تربيتي مي‌آيد «تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى»**[[10]](#footnote-10) **در همه مباحث تربيتي بلكه فراتر از آن يك قاعده فقهي است؛ اما در بحث‌هاي تربيت خانوادگي دليل خاص هم دارد اعانه هم كه گفته مي‌شود يعني اين‌كه مقدماتي فراهم بكند كه او كار خوب انجام بدهد شما هم در كار خوب او سهيم مي‌شويد برّ به پدر و مادر از مهم‌ترين خوبي‌ها است. اگر من طوري زمينه بسازم كه او به اين تكليف عمل بكند اين اعانه بر برّ مي‌شود همان قاعده‌اي است كه در آيه شريفه است؛ منتهي تأكّدش از اين ادله متعددي كه در اين مسئله وارد شده مي‌رسد نكته تربیتی‌اش هم خيلي بالا است؛ و اینجا آن‌قدر روايت و تأكيدات دارد كه مي‌گويد كليد رفتار او دست تو است يعني اگر تو درست عمل بكني او هم با تو به‌خوبی رفتار مي‌كند. بنابراين اعانه هم تأكيدي بر همان قاعده عامه در فضاي تربيت خانوادگي است. اين هم نكته پنجم بود.**

### **نكته ششم: حكم الزامي «**الاعانه علي برّ والديه**»**

 نكته ششم اين است كه اين حكم «الاعانه علي برّ والديه» در حدّي كه در اين روايات هست يا مشمول مطلق آن آيه هست، حكم الزامي نيست. بلكه استحباب مؤكّد است؛ البته تأكد بالايي دارد؛ اما با يك عناوين ديگري ممكن است حكم الزامي هم پيدا بشود آنجایی كه بدرفتاري او موجب اين بشود كه او هم گناه بكند و عاق بشود، اين اعانه بر اثم مي‌شود نه اين‌كه خوب عمل نكند بلكه با فرزندش بد **عمل بكند. اگر رفتار بد او با فرزند موجب اين مي‌شود كه فرزند در برابر پدر و مادر معصيتي مرتكب بشود يعني اذيت و آزار بكند، اینجا خود پدر و مادر هم از باب اعانه بر اثم، گناه كرده‌اند يا اين‌كه دليل مضارّه مي‌گويد به او ضرر زده است. اگر گفته شود كه اين نوع ضررها در آن دليل هست. بنابراين گاهي اين اقدام او در حدي است كه اعانه بر اثم مي‌شود و حرام مي‌شود؛ و گاهي بايد كاري بكند كه اگر اين كار را انجام ندهد موجب مي‌شود كه او با پدر و مادرش بد بشود. اين هم از باب وقايه ممكن است گفته شود: واجب است، انجام بدهد؛ و لذا در حال طبيعي كمك به اين‌كه او با پدر و مادر خوب رفتار بكند، امر مستحب است. ولي اقداماتي كه موجب مي‌شود كه او بد رفتار بكند اين از باب اعانه، حرام است يا اقداماتي كه موجب مي‌شود كه او از گناه باز بماند و به تكليف‌هاي الزامی‌اش عمل بكند با اين عناوين البته گاهي از باب وقايه يا مضارّه و از باب اعانه و امثال این‌ها واجب مي‌شود.**

#### **پرسش و پاسخ**

**پرسش: چرا گاهي از باب وقايه يا مضارّه و از باب اعانه و امثال این‌ها واجب مي‌شود؟**

 **پاسخ: يك وقتي است كه الآن اگر اين توجّهات را نكنم، معلوم نيست كه او گناهي را در ارتباط با من مرتكب بشود مي‌دانم گناه مرتكب نمي‌شود؛ ولي اگر خوب عمل بكنم خيلي بهتر عمل مي‌كند و ثواب‌هاي بالايي را انجام مي‌دهد آنچه روايات مي‌گويد كف قصه است؛ يعني كمك بكند به اين‌كه او هم با او خوب رفتار بكند اگر اقدامي بكند كه بد رفتار بكند، اعانه بر اثم است يا اگر اين اقدام را انجام ندهد او در گناه قرار مي‌گيرد، وقايه و مضارّه مي‌گويد بايد اين اقدام را انجام بدهي و لذا اين كف مسئله را به‌عنوان امر تربيتي و اصل و قاعده كلي بيان بكند؛ اما مي‌تواند عناويني مثل اعانه بر اثم و وقايه و مضارّه اقداماتي را بگويد تو بايد انجام بدهي، براي اينكه پژواك او پژواك درستي باشد اين هم نكته ششمي است كه اینجا هست البته اين از باب عمل و عکس‌العمل هم هست.**

### **نكته هفتم: اشاره به عمل و عکس‌العمل**

 **نكته هفتم اين‌كه اين روايت درواقع به عمل و عکس‌العمل در روابط بشري توجّه دارد. اين بحث فقهي نيست، بلكه بحث توصيفي و تحليلي است. اين روايت شريفه به آن عمل و عکس‌العمل در روابط بشري اشاره مي‌كند و اين هم يك نكته كه مي‌شود ازلحاظ روان‌شناختي و بحث‌هاي غير فقهي مي‌شود روي آن صحبت كرد. ولي سرنخی را كه مي‌شود بيان كرد اين‌كه عمل و عکس‌العمل را درواقع در يك فضاي كلان‌تر و كلي‌تر در فقه و...مي‌شود جايي برايش باز کرد.**

### **نكته هشتم: استفاده اعانه بر مكروه از اين روايت**

 **نكته هشتم اين‌كه آيا مي‌شود گفت آن طرفش هم يك كراهتي وجود دارد يعني كاري بكند كه فرزند با او رفتار مناسبي نداشته باشد نه در حدّ حرمت رفتار مناسب ندارد بلكه كارهاي نامناسبي كه در حدّ حرمت نيست انجام مي‌دهد آيا مي‌شود گفت چنان كاري كراهت دارد؟ از ادله چيزي استفاده نمي‌شود مگر از باب اعانه بر مكروه كه قاعده عامي است و بعيد نيست كه به آن‌هم قائل شد كه قبلاً در مورد آن مطالبي بيان شد؛ ولي دليل خاصي براي آن طرفش نيست. اگر در حدي است كه كار او موجب مي‌شود كه او كار حرام انجام بدهد اعانه بر اثم مي‌شود و اگر موجب مي‌شود فرزند در روابطش با پدر و مادر كار مكروه انجام بدهد كما اين‌كه اقداماتي كه پدر انجام مي‌دهد براي اين‌كه فرزند كار خوب يا بد در ارتباط با ديگران انجام بدهد آن‌هم داخل در اين روايت نيست. ولي طبق قواعد عامه، هر كاري كه پدر انجام بدهد كه بچه در روابط با ديگران خوب باشد، از باب قاعده اعانه بر بر يا از باب «وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْ‏ءٌ**»[[11]](#footnote-11) **پدر هم در آن سهيم است و اثر دارد كه در بحث قبل بيان شد. این‌ها قواعد عمومي است‌ كه آن‌ها را در روايت افاده مي‌كند.**

#### **پرسش و پاسخ**

**پرسش:**

 **پاسخ: اگر غیرمستقیم به او برسد همين‌طور است كه برّهما مستقيم يا غیرمستقیم هر دو را مي‌گيرد.**

### **نكته نهم: آيا اين راه‌هاي موجود در روایات، حصري است؟**

 **نكته نهم اين است كه در دو سه روايت از اين روايات فقط آمده «رَحِمَ‏ اللَّهُ‏ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَا»**[[12]](#footnote-12) **اما در دو روايت حداقل ادامه‌اي دارد يكي همين روايت معتبره هشتم است كه آنجا سؤال مي‌كند كه «قُلتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلى‏ بِرِّهِ» سؤال مي‌كند اين‌كه مي‌گويد: اعانه بر برّ خود او بكند چگونه است؟ حضرت مي‌فرمايد: عذرش را بپذيرد و سخت نگيرد و ... اين روايت هشت اینجاست و يكي هم در جلد صد و يك بحار در همان باب از عدة الداعي نقل كرده است. روايت اين است كه «وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ**»[[13]](#footnote-13) **آخرش اين است كه «وَ هُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ‏ سَيِّئَتِهِ‏ وَ يَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّه»**[[14]](#footnote-14) **روايت هفتاد باب فضل اولاد است. در اين دو روايت حضرت راه‌هايي را معين كرده است. آيا اين راه‌ها حصري است؟ علی‌الظاهر نه. بلكه سؤال مي‌كند، چگونه مي‌تواند اعانه بر برّ بكند؟ حضرت در يك روايت معتبر سه، چهار راه نشان مي‌دهد. در آنجا چيزهاي ديگري نشان مي‌دهد و بيان حصري در اين نيست. این‌ها در حدّي نيست كه بتواند عنوان اعانه را مقيّد بكند بلكه تطبيق و بيان مصداق است. «اعانه علي بر الولد بوالديه» چطور او كمك بكند و زمینه‌سازی بكند براي اينكه عمل متقابل خوب برگردد حضرت مي‌فرمايد: اين‌طور و آن‌طور. هیچ‌کدام ادات حصري نيست كه فقط اين است. مي‌گويد: «كَيْفَ يُعِينُهُ عَلى‏ بِرِّهِ؟»**[[15]](#footnote-15) **مي‌گويد اين‌طور اعانه بكند، ولي نمي‌گويد فقط اين راهش است، حصري در اين نيست. لسانش هم مثبتين است. آن مي‌گويد: اين‌طور باشد و اين هم مي‌گويد: اين كارها را انجام بدهد. اطلاق اعانه و عدم وجود مقيّد است؛ و لذاست كه گفته مي‌شود، شمول دارد و اختصاص به رفتارهاي ويژه ندارد و همه آن‌ها استحباب مؤكد دارد، بعدي‌ها روش هستند. يكي دو بار ديگر بحث مي‌شود. دعایی كه حضرت بكند براي يك گروهي و طایفه‌ای يعني «رحم الله» رحمت خاصه هست نه رحمت عامه. رحمت خاصه كه شد مسابق با اين است كه فضل و كمالي است؛ البته در همين «رحم الله» در واجبات هم استعمال مي‌شود؛ ولي از خود اين، بيش از رجحان استفاده نمي‌شود كرد. استعمالش در آن‌ها جايز است؛ ولي حداقلش همان رجحان است. بيش از آن نمي‌شود استفاده كرد. اتفاقاً اين نكته خوبي است.**

### **نكته دهم: آيا «اعانه ولدهما علي برّهما» نياز به قصد قربت دارد؟**

 **نكته دهم كه ايشان اشاره مي‌كنند آيا اين والدين كه «أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَا»**[[16]](#footnote-16) **اين عنوان قصدي است يعني ثواب متوقف بر اين است كه او قصد بكند كه او كار خوب را انجام بدهد و قصد هم اين‌طور است كه او كار ثواب را انجام بدهد نه اين‌كه منافع خودش را ببيند و نه مي‌خواهد كار خوب انجام بدهد؟ در این‌ها قصد شرط است يا اين‌كه عنوان قصدي نيست، همين‌كه اين كار را كرد نتيجه مي‌دهد؟ ظاهراً عنوان قصدي نيست. اگر كسي كار خوب انجام بدهد كه آن نتيجه را دارد، در ثوابش شريك است.**

### **نكته يازدهم: اعانه بر برّ ولد مصداق كدام قاعده است؟**

**نكته يازدهم اين است كه گفته شد: اين (اعانه بر برّ ولد) مصداقي از قاعده «تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى»**[[17]](#footnote-17) **است يا مصداقي از آن قاعده «مَنْ‏ سَنَ‏ سُنَّةً حَسَنَةً»[[18]](#footnote-18) هم هست. براي اين‌كه روايات معتبري كه مي‌گفت** به‌عنوان قاعده فقهي **هست، دو قاعده فقهي است. هر كس كاري بكند كه ديگران ‌هم كار او را ادامه بدهند، بعيد نيست كه گفته شود اين مصداقي از او هم مي‌شود؛ يعني خوبي كه او انجام مي‌دهد ياد مي‌گيرد و او هم خوبي انجام مي‌دهد خوبي را از او الگو مي‌گيرد؛ يعني الگو دادن به ديگران و الهام بخشي كار خوب يا بد موجب مي‌شود، انسان در ثواب يا عقاب آن‌ها سهيم باشد. علاوه بر عنوان اعانه، اين هم يك عنوان ويژه‌اي است. اين قاعده است كه در بحث قبلي هم اين قاعده بيان شد؛ و قاعده مهم فقهي است كه فقها خيلي بحث نكرده‌اند كه ما مكرّر در مباحثمان به آن اشاره كرديم ان‌شاءالله بحث جدايي انجام بدهيم و جمع بكنيم و به‌عنوان قاعده سامان داده بشود. اين هم نكاتي كه در عنوان هشتم يا نهم بود؛ يعني اگر برّ و رحم را جدا بگيريم عنوان نهم بود.**

1. **- تحريم/6** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- بقره /233** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- مكاتيب الأئمة عليهم السلام؛ ج‏3؛ ص 192** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- الكافي (ط - دارالحديث)؛ ج‏11؛ ص 445.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- وسائل الشيعة، ج‏21، ص: 481.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **- بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج‏101؛ ص 98** [↑](#footnote-ref-6)
7. **- همان** [↑](#footnote-ref-7)
8. **- همان** [↑](#footnote-ref-8)
9. **-مائده /2** [↑](#footnote-ref-9)
10. **- مائده /2** [↑](#footnote-ref-10)
11. **- الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‏5؛ ص 9** [↑](#footnote-ref-11)
12. **- الكافي (ط - دارالحديث)؛ ج‏11؛ ص 445** [↑](#footnote-ref-12)
13. **- بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج‏101؛ ص 98** [↑](#footnote-ref-13)
14. **- بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج‏101؛ ص 98** [↑](#footnote-ref-14)
15. **- الكافي (ط - دارالحديث)؛ ج‏11؛ ص 445** [↑](#footnote-ref-15)
16. **- الكافي (ط - دارالحديث)؛ ج‏11؛ ص 445** [↑](#footnote-ref-16)
17. **- مائده /2** [↑](#footnote-ref-17)
18. **- الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‏5؛ ص 9** [↑](#footnote-ref-18)